

## خبرنامه ندا را بخوانید و در میان مردم پخش کنید

### هیجده تیر 1388 و درس های آن

آرامش نسبی چند روز گذشته، نیروهای مرتجع و سازشکار را به این توهم فرو برده بود که مردم از انرژی انقلابی تهی گشته اند و همه چیز به کام ایشان است. حکومت که خود را پایدار می دید، مردم را به سرکوب بیشتر تهدید مینمود و با اعدامهای گسترده هفته پیش، فکر میکرد که دل مردم را از جسارت انقلابی تهی ساخته است. از طرف دیگر، سازشکاران هم که خود را متکلم الوحده یافته بودند، و تنها کسانی بودند که از تهدیدهای حکومتی خوف کرده و از شعله ور شدن خشم مردم ترسیده بودند، از همکاری رسانه های خارجی بهره برده و مردم را به مراسم «روضه خوانی» حزب مشارکت در ولنجک دعوت می کردند. طرفداران بی مایه ی ایشان هم، فتوای «میر حسین» را، دال بر «پیش بسوی مساجد» تبلیغ کرده و سعی در منحرف کردن مردم، از مبارزه فعال به «اعتکاف» منفعل داشتند. اما بار دیگر مردم نشان دادند که خود بهتر از هر «رهبری»، منافع خود را تشخیص داده و به راهکارهای موثرتر و بهتر، علیه چنین مرتجعان خون آشامی آگاه هستند.

#### مشارکتی ها در مسجد ولنجک و مردم در خیابان ها و محلات تهران

هنگامیکه مشارکتی ها مایوس از «اصلاحات درون حکومتی» و «گذار مسالمت آمیز» در مسجد ولنجک به گریه و زاری پرداخته و «وا حسینا» و «میر حسینا» می کردند، مردم قهرمان ایران تصمیم گرفته بودند که عدم مشروعیت حکومت و ضعف اقتدار آن را با قدرت نمایی خود، به رُخشان بکشند.

برگزارکنندگان مراسم هیجده تیر 1388، همچون هر شرایط انقلابی دیگری، از دسته های مختلف و رهنمودهای متفاوت تشکیل شده بودند. یکی، مردم را از ساعت 4 بعدازظهر، بصورت متمرکز در میدان انقلاب فراخوانده بود. دیگری، ساعت 6 بعدازظهر را اعلام داشته و چند میدان را بعنوان مرکزیت تجمعات برگزیده بود. و آن دیگری هم، ساعت 8 شب را مناسب تشخیص داده و مردم را در مسیرهای مختلف می خواست. اما، اندکی پس از ساعت 2:30 دقیقه بعداز ظهر بود که گزارش ها، از جمعیت های غیر عادی، در چند نقطه ی پایتخت، خبر دادند. اولین خبر دریافتی، گزارش میداد که به دنبال درگیری های شب گذشته در سعادت آباد، نیروهای جوانان انقلابی آن محل، در مقابل نیروهای پلیس و لباس شخصی، صف آرایی کرده اند. احتمال از سرگیری درگیری ها زیاد بود. چند دقیقه بعد، خبر رسید که پیاده رو های خیابان انقلاب از کثرت جمعیت ورم کرده و نیروهای سرکوبگر، بصورت موضعی با باطوم به مردم حمله میکنند. گزارش دیگری صحبت از تجمع دانشجویان و جوانان در دانشگاه پلی تکنیک میکرد که رفته رفته آماده ی ترک محل به سمت میدان ولیعصر و از طریق بلوار به میدان انقلاب می شدند. محلات دیگری چون منطقه ولیعصر و ونک، گزارش از کثرت جمعیت و فزاینده گی آن می دادند.

نزدیک 4 بعدازظهر بود که 300 نفر از مردم، که اکثریت ایشان را بانوان تشکیل می دادند، اقدام به تحصن در تقاطع خیابان های انقلاب و فروردین نمودند. این عمل جسورانه درست در زمانی صورت می پذیرفت که طرفداران موسوی شایعه کرده بودند که «رهبر معظم شان» مردم را به رفتن به مساجد و اقدام به «اعتکاف» فراخوانده است. اما به سرعت صداهای ضعیف «یا حسین، میر حسین» در میان شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «مجتبی بمیری، رهبری را نبینی» گم شد. در این هنگام تجمع کنندگان پلی تکنیکی هم راه افتاده بودند و در نزدیکی های ولیعصر خود را در مقابل نیروی منظمی از لباس شخصی ها و پلیس یافتند. ایشان بوسیله تلفن های همراه از دوستان خود می خواستند تا مسیرشان را در اینترنت تبلیغ کرده و از مردم بخواهند که هرچه سریعتر خودشان را به این جمع برسانند. گزارش از محله میرداماد هم رسید که در نزدیکی های ایستگاه مترو، مردم اقدام به آتش زدن آشغال ها کرده اند تا هم اثر گاز اشک آور را خنثی کنند و هم مانعی در مقابل حمله ی موتورسوارها درست کرده باشند.

اندکی پس از ساعت 5 بعدازظهر، خبرهایی که از تمامی مناطق تمرکز جمعیت می رسید، حکایت از حاد شدن درگیری ها داشت. شونده فکر میکرد که به نقطه عطف مراسم 18 تیر رسیده است. تحصن 300 نفره همچنان ادامه داشت و درگیری های خیابان انقلاب به جلالزاده و امیرآباد و بلوار کشیده بود. پلی تکنیکی ها هم با نیروها درگیر شده و علیرغم گوشمالی فراوانی که به بسیج و نیروهای انتظامی داده بودند، بالاچار در مقابل گاز اشک آور مجبور به عقب نشینی گشته و در خیابان طالقانی به تجدید قوا و سازماندهی مجدد، پرداخته بودند و این بار

## خبرنامه ندا را بخوانید و در میان مردم پخش کنید

خیال داشتند تا از طریق وصال شیرازی خود را به مردم در حال مبارزه در بلوار کشاورز برسانند. اما ناگهان در ساعت 6 بعدازظهر، اوضاع تغییر کرد. درست مانند فیلم های وسترن، که در آخرین لحظه، سواره نظام، شیپور زنان به میدان مجادله وارد می شد، از تمامی مراکز، خبر رسید که سیل عظیمی از مردم به جمعیت اعتراض کنندگان خیابانی پیوسته اند. لحظه به لحظه خبرها از گوشه و کنار شهر می رسید که چگونه مردم خیابان ها را فتح کرده و شعارهای «مرگ بر خامنه ای» و «... دولت مردم فریب» میدادند. از عجایب روزگار آن بود که شعار «مجتبی بمیری، رهبری را نبینی»، که برای اولین بار در همان چند ساعت گذشته مطرح شده بود، در تمامی نقاط شهر، فریاد زده می شد. خبرها اعلام میکردند که دایره اعتراضات میدان انقلاب، از میدان فردوسی تا میدان توحید و از طالقانی تا بلوار و میدان ولیعصر رسیده است. همچنین، جمعیت ها در خیابان میرداماد و میدان ونک و اوایل ملاصدرا عملاً به هم پیوسته و تبدیل به یک منطقه جنگی شده اند. در همین ساعات بود که گزارشات حاکی از شنیدن شلیک گلوله ها در چند منطقه مخابره شد و یکی از این گزارشات مدعی بود که یکنفر در حوالی میدان آزادی در اثر اصابت گلوله کشته شده است.

خبرها از شهرستان ها نیز حکایت داشت که مردم در مرکز شهر ساری، در تقی آباد و حرم امام رضا و فلکه پارک و خیابانهای اطرافش در مشهد، میدان سعدی در سمنان، خیابان های نوبهار و طالقانی و منطقه کسری در کرمانشاه، چهار راه آبرسان در تبریز، و خیابان منظریه در رشت تجمعات اعتراضی خود را برپا داشته اند.

و اما مهمترین خبر 18 تیر 1388، که بیانگر جهشی کیفی در مبارزات انقلابی مردمی است، در ساعت 9 بعدازظهر، به ما رسید. مردم ساکن در خیابان ها و کوچه های منطقه ستارخان و میدان توحید، کوچه ها و خیابان های خود را برای حفاظت از حمله ی نیروهای حکومتی، سنگربندی کرده و پشت سنگرها با روشن کردن آتش مشغول دادن شعارهای «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه ای» بودند. این خبر پاسخگوی بسیاری از سوالات بود. رفقای ما در مراکز مختلف درگیری، تعجب کرده بودند که چرا نیروهای حکومتی کم تعداد هستند؟ چرا تنها به حمله های موضعی و باطوم و گاز اشک آور بسنده کرده و بر خلاف «شنبه خونین» و روزهای بعد از آن، اقدام به بازداشت های گسترده نمی کنند؟ اینک مشخص می شد که مبارزات در تمامی محلات تهران گسترده شده و نیروهای حکومتی در سراسر شهر پراکنده گشته اند. مردم در طی مبارزات خود به این درک رسیده بودند که محکم ترین حلقه و مهمترین نقطه برای مبارزات شان در محله های خودشان است. این باعث می شود که اولاً، تعداد کثیری از مردم که توانایی جنگ و گریز خیابانی را ندارند نیز بتوانند در این مبارزات شرکت کنند و جنبش از حمایت ایشان نیز برخوردار گردد و دیگر آنکه، نیروهای حکومتی را در تمامی سطح شهر پراکنده کرده و از این طریق از توانایی ضربتی آنها کاهته بشود. این اقدام در کلیه ی انقلابات مدرن، یکی از مهمترین مراحل است که امکان پیشروی و پیروزی مبارزات انقلابی مردم را بیشتر میکند. به هر حال، 18 تیر ماه 1388 آمد و گذشت. اما درس هایی که از آن گرفتیم تا ابد در کتاب های تاریخ خواهد ماند:

1. اصلاح طلبان و اپوزیسیون حکومتی، از آنجا که بیشتر از ارتجاعیون و دیکتاتورهای «خودی» شان، از اقدامات مبارزاتی مستقیم مردم می هراسند، همواره سعی خواهند کرد تا مردم را به اشکال مقاومت منفعلانه، از قبیل طومارنویسی و شکایت های حقوقی و «قانونی» بکشند و نهایتاً در مساجد مشغول به اعتکاف کنند و در فعالیت های سیاسی نقش مستقیمی بعهده نگیرند، تا «رهبران سیاسی» بتوانند با ترساندن جناح رقیب از اقدامات احتمالی مردم، با نظام «اسلامی»، «مشارکت» کرده (بخوانید معامله و بده بستان) و سهم بیشتری از چپاول مردم و منابع طبیعی مملکت را به جیب خود بریزند. (فشار از پایین، چانه زنی از بالا)
2. مردم بدون اتکاء به چنین «رهبرانی»، از ایشان گذر کرده و دیگر به نتیجه انتخابات نمی اندیشند و گرفتن حقوق دمکراتیک خود را از طریق مبارزات خود جلو می برند و نیازی به این «رهبران» ندارند تا راه دریوزگی را به ایشان بیاموزانند. ایشان خواهان دخالت مستقیم در سرنوشت شان هستند و تنها راه تضمین حقوق «شهروندی» و آزادی های «مدنی» خود را در مبارزه ای قاطعانه علیه دستگاه سرکوب حکومتی یافته اند.
3. بهترین شکلی از سازماندهی اجتماعی، که تمامی مردم را دارای حق و امکان دخالت مستقیم در امور سیاسی و اجتماعی و ... خود می کند، و جامعه را از توان صد در صدی جوامع مردمی برخوردار میکند، تشکیل کمیته ها و شوراهای درمحلات و مراکز اشتغال شان می باشد. تمام!